

گزارش نشست «مسئله فلسطین در آئینه نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری»

روز پنجشنبه ۱۱ مرداد ماه ۱۴۰۳ نشست تخصصی با عنوان «مسئله فلسطین در آئینه نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری» توسط انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد برگزار گردید. در این نشست که مدیریت آن را دکتر حسن سواری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، برعهده داشت، به ترتیب دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران)، دکتر ستار عزیزی (عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان) و دکتر سید علی موسوی (مدیرکل امور حقوقی وزارت امور خارجه)، به ایراد سخن پرداختند. این نشست که با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد، نهایتاً با پرسش و پاسخ‌هایی میان حاضران و سخنرانان مدعو به پایان رسید.

دکتر سواری به عنوان دبیر نشست پس از ارائه توضیحات مقدماتی، ابتدا از دکتر مصفا، ریاست انجمن، دعوت نمودند تا سخنان آغازین را بفرمایند. دکتر مصفا در سخنان مقدماتی خود، ضمن عرض خیر مقدم به اساتید، دانشجویان و حضار و همچنین با عرض تسلیت بابت ترور دکتر اسماعیل هنیه در تهران، نکاتی را در این باره بیان نمودند. ایشان معتقد بودند کشتن اسماعیل هنیه در واقع حمله به یک انسان نبوده بلکه یک ضربه ای به روابط و اصول دیپلماتیک، به چالش کشیدن تقدس حاکمیت و مورد حمله قراردادن اصول حاکم بر نظم بین‌المللی می باشد. و به طور مختصر در رابطه با اهمیت نظریه مشورتی ۲۰۲۴ و نکات مهم آن سخن گفتند.

دکتر سواری با اشاره بر ماده ۵ اساس نامه دیوان و بند ۱ ماده ۹۶ منشور ملل متحد محدودیت موجود جهت درخواست نظر مشورتی را برشمردند. ۱. مسئله باید حقوقی باشد ۲. مسئله باید بین‌المللی باشد. مسائلی که در واقع به نوعی اختلاف بین دو کشور محسوب می شود در این فرایند قابل طرح نیست. ایشان در ادامه بیان داشتند که اگر از همین زاویه به قضیه نگاه کنیم، ظاهر قضیه این هست که اختلاف بین دو موجودیت هست یکی دولت فلسطین و یکی دولت اسرائیل و همین دلیل در هر دو رای ۲۰۰۴ و ۲۰۲۴ این مسئله در صحن دیوان مطرح شد و مخالفین به این مسئله تاکید داشتند که اختلاف، اختلاف بین‌المللی نیست و نتیجتاً دیوان صلاحیت ندارد و نباید به آن پردازد. اما به هر حال نظر دیوان بر این بود که مسئله ولو اینکه به ظاهر اختلاف بین اسرائیل و فلسطین هست اما از آنجایی که همواره طی دهه ها در دستور کار جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد هست لذا این یک موضوع بین‌المللی می باشد و دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را دارد.

در آخر ایشان از سخنرانان برای ایراد سخن دعوت نمودند که در ادامه گزارش مختصری از بیانات ایشان ارائه خواهد شد.

دکتر محمد رضا ضیائی بیگدلی

دکتر ضیائی بیگدلی به تحلیل اجمالی و نقد نظریه مشورتی ۲۰۲۴ و مقایسه آن با نظر مشورتی ۲۰۰۴ پرداختند. ایشان به نظر مشورتی ۲۰۰۴ اشاره نمودند که بر قانونی بودن یا نبودن اشغال اشاره‌ای نکرده و فقط بر غیر قانونی بودن ساخت دیوار اشاره کرده است. ایشان سپس رویکرد حقوقدانان را در این رابطه بیان نمودند: اصولاً برخی از حقوقدانان معتقدند که درخواست مجمع عمومی و متعاقباً در نظر دیوان اشغالگر اعلام کردن اسرائیل بدون اینکه این اقدام را مستدلاً و مستنداً اثبات کند، نوعی پیش داوری است؛ چرا که اشغال یک مفهوم حقوقی است و احرازش باید بر عهده یک نهاد قضایی مثل دیوان بین‌المللی دادگستری باشد، نه مجمع عمومی اما در مقابل تعداد قابل توجهی از حقوقدانان معتقدند که ایرادی از این جهت به درخواست مجمع و نظریه دیوان وارد نیست؛ چرا که اولاً دیوان چه در نظریه مشورتی ۲۰۲۴ چه در نظریه مشورتی ۲۰۰۴ با پرداختن به پیامدهای حقوقی اعمال متخلفانه اسرائیل به نوعی متخلفانه بودن اعمال را هم احراز کرده؛ ثانیاً پیش از درخواست مجمع عمومی و اعلام نظریات دیوان، موضوع متخلفانه بودن اشغال سرزمین‌های فلسطینی و سایر اعمال متخلفانه مربوط به آن توسط قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی و شورای امنیت و حتی دیوان عالی خود اسرائیل احراز و اعلام شده بود. لذا درست است که نهادهایی مثل مجمع عمومی و شورای امنیت نهادهای سیاسی هستند اما آن‌ها صلاحیت دارند در چارچوب منشور مبادرت به صدور قطعنامه‌های الزام آور و اتخاذ تصمیمات حقوقی کنند؛ مخصوصاً شورای امنیت بارها در چارچوب فصل ۷ منشور صراحتاً اقدامات اشغالگرایانه اسرائیل را احراز و محکوم کرده بود. دیوان با صدور این نظریه مشورتی چارچوب نظریه حقوقی زمین در برابر صلح را که در سال ۲۰۰۲ توسط عربستان پیشنهاد شده بود، نادیده انگاشت. در حالی که این تنها چارچوب موجود برای دستیابی به صلح بود که قبلاً به تایید هر دو طرف مناقشه و حتی اتحادیه عرب رسیده بود. بعلاوه نادیده انگاشتن توافق‌های اسلو ۱، اسلو ۲ و تضعیف قطعنامه‌های مربوط به شورای امنیت در بیان مواضع دیوان حل مناقشه را سخت‌تر می‌کند. ایده مذاکرات صلح به زعم بسیاری تنها راه رو به جلوست. به نظر قاضی سلام، رئیس دیوان، نظریه مشورتی ۲۰۲۴ در واقع کیفرخواستی علیه توافق‌های اسلو است. دیوان در نظریه مشورتی ۲۰۲۴ چارچوب ترجیحی خروج بدون قید و شرط اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی را جایگزین نظریه زمین در برابر صلح قرار داد. در حالی که شورای امنیت در قطعنامه‌های متعدد که مهم‌ترینش ۲۴۲ و ۳۳۸ هستند، خروج را با قید و شرط مقرر کرده بود. نکته دیگر اینکه در حالی که در نظریه مشورتی ۲۰۰۴ الزام به مذاکره تا رسیدن به راه حل صلح و تشکیل کشور مستقل فلسطین در کنار کشور اسرائیل مطرح می‌کند، در نظریه مشورتی

۲۰۲۴ به هیچ وجه وارد این موضوع نمی‌شود. قاضی تومکا، قاضی آبراهام و قاضی ارسکو در اعلامیه مشترکشان از این بابت اظهار تاسف می‌کنند. در پایان دکتر بیگدلی به الزام آور نبودن این دو نظریه مشورتی اشاره می‌کنند و ناکامی در حمایت از فلسطینیان چه در داخل و چه در خارج از سرزمین‌های اشغالی را دلیل عدم اعتماد فلسطینیان به قواعد حقوق بین‌الملل بیان می‌نمایند.

دکتر ستار عزیزی

دکتر عزیزی مباحثی حول محور نقض مداوم حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین توسط اسرائیل را بیان نمودند. ایشان سخنانشان را با قرائت سوال اخیر مجمع عمومی که حاوی دو بند است، آغاز نمودند. بند الف) پیامدهای قانونی ناشی از نقض مداوم حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین توسط اسرائیل از اشغال طولانی مدت، شهرک سازی و الحاق سرزمین فلسطین اشغالی از سال ۱۹۶۷ از جمله اقداماتی با هدف تغییر ترکیب جمعیتی، جایگاه و وضعیت شهر بیت المقدس و...؛ و بند ب) این سیاست ها و اقدامات اسرائیل که در بند الف به آن ها اشاره شده است، چگونه بر وضعیت حقوقی اشغال اثر می‌گذارد و همچنین مجمع سوال کرده است که آثار حقوقی ناشی از آن برای دولت ها و سازمان ملل متحد چیست؟

دکتر عزیزی در ادامه، در خصوص آثار آن دسته از سیاست ها و اقدامات اسرائیل صحبت نمودند که ناقض حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها است و از این رهگذر بر وضعیت حقوقی اشغال اثر می‌گذارد. ایشان ضمن تاکید بر نظر مشورتی ۱۹ جولای ۲۰۲۴ اما در تمامی بحث هایشان نگاهی نیز بر نظر مشورتی دیوان در سال ۲۰۰۴ داشتند. دکتر عزیزی به بندهای ۳ و ۴ اجرایی نظر مشورتی دیوان که با ۱۱ رای موافق در برابر ۴ رای مخالف حضور مستمر اسرائیل در سرزمین های اشغالی فلسطین را غیر قانونی اعلام کرد و همچنین اسرائیل را موظف کرد تا به حضور غیر قانونی خود در سرزمین های اشغالی فلسطین در سریع ترین زمان ممکن پایان دهد، اشاره کردند.

دیوان در واقع، در بندهای اجرایی نظر مشورتی به موضوع نقض حق تعیین سرنوشت اشاره نکرده است بلکه یکی از مهمترین ادله های مقدماتی دیوان در رسیدن به این نتیجه گیری آن بود که حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها نقض شده و پیامد نقض این حق آن است که حضور اسرائیل در سرزمین های اشغالی را غیر قانونی می‌سازد و اسرائیل موظف به خروج فوری از این سرزمین ها است. ایشان به بند ۸۸ نظر مشورتی سال ۲۰۰۴ دیوان اشاره کردند که با استناد به ماده ۱ مشترک میثاقین و قطعنامه ۲۴۲۵ از حق تعیین سرنوشت به عنوان

یکی از حقوق مسلم مردم فلسطین صحبت کرده بود. دیوان پس از بررسی های موضوعی اقدامات و سیاست های اسرائیل در بند ۳۵ نظر مشورتی، به این نتیجه می رسد که آن دسته از سیاست ها و اقدامات اسرائیل که گفته می شود حق تعیین سرنوشت را نقض می کند شامل گسترش شهرک سازی و پایگاه ها و ایجاد زیر ساخت های مرتبط در سرزمین اشغالی فلسطین، مصادره زمین و تخریب سازه های فلسطینی، تغییرات در ترکیب جمعیتی بخش های خاصی از سرزمین های اشغالی فلسطین، تکه تکه شدن سرزمین فلسطین اشغالی و تصاحب منابع طبیعی و بهره برداری از منابع هیدروکربنی، معدنی و آب در سرزمین اشغالی فلسطین است. ایشان در توضیح بندهای ۲۳۶ تا ۲۴۲ نظر مشورتی اخیر دیوان معتقد است که در قضیه حاضر ۴ عنصر به بحث حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین ارتباط پیدا می کند: اولین عنصر مورد بحث دیوان پیوند دادن موضوع تمامیت ارضی به حق تعیین سرنوشت است و دیوان مدعی بود که در حقوق بین الملل عرفی بحث تمامیت ارضی از نتایج اعمال حق تعیین سرنوشت مردم است در این ارتباط دیوان از نظر مشورتی آثار حقوقی جدایی مجمع الجزایر چاگوس استفاده کرد. دومین عنصر، ممنوعیت جداسازی مردم فلسطین از یکدیگر است. سومین عنصر حق تعیین سرنوشت و حق اعمال حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی است که به زعم دیوان از اصول حقوق بین الملل عرفی شناخته می شود. دیوان در بند ۱۳۳ نظر مشورتی به این نتیجه رسید که اسرائیل از منابع طبیعی در اراضی اشغالی فلسطین به نفع خود و به نفع شهرک ها بهره برداره می کند و این نقض تعهدات اسرائیل برای احترام حاکمیت دائمی مردم فلسطین بر منابع طبیعی است. چهارمین عنصر کلیدی حق تعیین سرنوشت از منظر دیوان حق مردم است که آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین کنند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال نمایند. این حق در قطعنامه های ۱۴۱۵ و ۲۶۲۵ منعکس شده و در ماده ۱ مشترک میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ذکر شده است. دیوان بر این اعتقاد است که وابستگی کرانه باختری، بیت المقدس شرقی و به ویژه نوار غزه به اسرائیل برای تامین کالاها و خدمات اساسی بهره مندی از حقوق اساسی بشر از جمله حق تعیین سرنوشت را مختل می کند. دیوان اضافه کرد علاوه بر صدمات وارده بر افراد، نقض حقوق فلسطینی ها از جمله حق آزادی و امنیت شخصی و آزادی رفت و آمد عوایی بر مردم فلسطین دارد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن را عقیم کرده است. در این ارتباط دیوان به گزارش کمیسیون اقتصادی، اجتماعی غرب آسیا به عنوان یکی از مدارک ادعا خود استناد کرده است.

در پایان ایشان، اقداماتی نظیر انتقال جمعیت غیر نظامی اراضی اشغالی به اسرائیل و مصادره و بهره برداری از منابع طبیعی، گسترش قوانین داخلی خود به سرزمین های اشغالی و جابه جایی اجباری و تبعیض علیه مردم فلسطین را از نمونه های بارز و آشکار نقض قوانین و مقررات اشغال مندرج در کنوانسیون چهارم ژنو برشمردند و معتقد بودند اسرائیل با نقض اساسی مقررات نمی تواند از مزایای اشغال برخوردار شود اما از انجام تعهدات در

مورد آن بی تفاوت باشد و آن ها را نقض کند. با توجه به نقض اساسی این تعهدات وضعیت حقوقی اشغال را بایستی خاتمه یافته تلقی کرد و اسرائیل باید فوراً از مناطق اشغالی فلسطین خارج شود.

دکتر سید علی موسوی

عنوان مطالبی که دکتر موسوی ارائه نمودند «ایران و نظریات مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در خصوص مسئله فلسطین با تاکید بر نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴» بود. ایشان مباحث خود را در ۵ بخش ارائه دادند: بخش اول، مقدمه ای در خصوص اهمیت موضوع فلسطین در حقوق بین الملل و مباحث بین المللی؛ بخش دوم، نگاهی اجمالی به مشارکت ایران در فرایند صدور نظریات مشورتی دیوان؛ بخش سوم، ساختار بیانیه شفاهی ایران در فرایند نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه و نکات مهم آن؛ بخش چهارم، ویژگی های مهم بیانیه شفاهی؛ و بخش پنجم، جمع بندی.

در بخش اول دکتر موسوی بر این مسئله تاکید نمودند که تلاش های صورت گرفته در بُعد حقوقی آنچنان که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است و شایسته است که از این منظر بیشتر بدان توجه شود. ایشان همچنین به تلاش های آقای دکتر بیگدلی، آقای دکتر ممتاز و آقای دکتر سید احمد طباطبایی که در حوزه فلسطین کار کرده‌اند، اشاره نمودند.

دکتر موسوی در بخش دوم نگاهی اجمالی به مشارکت ایران در نظرات مشورتی دیوان داشتند. ایران تا به الان در ۴ نظر مشورتی مشارکت کرده است. اولین نظر مشورتی مربوط به قانونی بودن استفاده از سلاح های اتمی در درگیری های مسلحانه در سال ۱۹۹۶ بود. دومین مشارکت ایران به نظر مشورتی اعلامیه یک جانبه استقلال کوزوو و بررسی آن از منظر حقوق بین الملل در ۲۲ ژوئیه ۲۰۱۰ بر می گردد. سومین مشارکت ایران در نظر مشورتی آثار حقوقی ناشی از سیاست ها و اعمال اسرائیل در سرزمین های اشغالی فلسطین از جمله بیت المقدس در ۲۲ فوریه سال ۲۰۲۴ بود که سخنرانی خود را در دیوان ارائه کرد. جمهوری اسلامی ایران نظریه مکتوب خود را هم در فاصله زمانی مقرر آماده کرده بود ولی بنا به دلایلی نظر مکتوب به دیوان ارائه نشد و به سخنرانی و بیانیه شفاهی اکتفا کرد. چهارمین مشارکت ایران در نظر مشورتی در باب تغییرات اقلیمی خواهد بود که در این راستا بیانیه مکتوب خود را در اسفند سال گذشته به دیوان تقدیم کرده است.

دکتر موسوی در بخش سوم سخنرانی خود ساختار بیانیه شفاهی ایران در فرایند نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه و نکات مهم آن را مورد بررسی و مذاقه قرار دادند و گفتند: ایران در تنظیم این بیانیه که در حقیقت خلاصه ای از نظر

مکتوبش بود ابتداً بحث مقدماتی را ارائه کرد. در مرحله بعد به صلاحیت دیوان پرداخت. در بخش سوم پیامدهای حقوقی ناشی از نقض مداوم تعیین سرنوشت را مورد بررسی قرار داد. در بخش چهارم پیامدهای قانونی ناشی از آن وضعیت برای سایر کشورها و سازمان های بین المللی را مورد توجه و تبیین قرار داد و نهایتاً هم جمع بندی داشت.

در بخش چهارم دکتر موسوی ویژگی های مهم بیانیه شفاهی جمهوری اسلامی ایران را مطرح نمودند. نکته اول این که ایران معتقد بود حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین از اوایل قرن ۲۰ و دوره قیمومیت انگلیس نقض شده است. از همان زمان به مردم فلسطین فرصت انتخاب نظام سیاسی حاکم بر آن ها داده نشده است. نکته دوم در بیانیه شفاهی به تحولات ۷ اکتبر اشاره کرده و اقدامات قضایی به خصوص قرار موقتی که در ۲۶ ژانویه ۲۰۲۴ در شکایت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل صادر شده است را صراحتاً مورد توجه قرار داده است. نکته سوم تبیین ابتکار جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه تنها فرایندی که می تواند این نقض مداوم را پایان دهد و اسرائیل از این اقدامات خلاف حقوق بین الملل دست بردارد، برگزاری همه پرسی در آنجا است. در نهایت این که عناصری که در بیانیه شفاهی جمهوری اسلامی مطرح شده بود، مورد توجه دیوان و قضات دیوان قرار گرفته بود.

در پایان دکتر سواری موضوع پرهیز دادن دیوان از دادن نظر مشورتی را برای پژوهش مطرح نمودند. در ادامه ایشان ۶ دلیلی که مخالفان برای عدم ورود دیوان به این مسئله، در هر دو رای مشورتی ۲۰۲۴ و ۲۰۰۴ مطرح کردند را بیان نمودند. ۱. اختلاف دو جانبه است، در واقع بین دو موجودیت هست بنابراین وقتی که اختلاف سر مسئله بین المللی نباشد و اختلاف دو کشور و موجودیت باشد رضایت هر دو این کشورها لازم است که یکی از این کشور ها، کشور اسرائیل رضایت ندارد و لذا دیوان نباید وارد این مسئله شود اما دیوان در پاسخ در هر دو پرونده گفت که مسئله فلسطین در دستور کار جامعه بین المللی است و من باید به آن بپردازم ۲. نظریه مشورتی که دیوان صادر خواهد کرد کمکی به مجمع نمی کند در اینجا هم دیوان اشاره می کند که این دیوان نیست که تشخیص میدهد آیا نظریه قابل استفاده خواهد بود یا خیر همین که مجمع در قالب قطعنامه ای از دیوان سوال کرده حتما مفید بوده و دیوان باید تمکین کند و نظر خود را بدهد ۳. استدلال مخالفین هست که گفتن ورود دیوان به این مسئله و دادن رای مشورتی پروسه مذاکرات را مختل خواهد کرد. مذاکراتی که برای حل مسئله فلسطین هست این را هم دیوان جواب داده است ۴. دیوان اطلاعات لازم را ندارد. برای اینکه نقض هایی که ادعا شده در اونجا صورت گرفته را بررسی کند نیاز به فکت دارد که دیوان در پاسخ بیان می کند که اطلاعات لازم و فکت ها را دارد. چرا که مسئله، مسئله قدیمی هست ۵. همینطور مخالفین مطرح می کنند که چون موضوع به نوعی مربوط به صلح و امنیت بین المللی است ورود دیوان به این قضیه صلاحیت شورا را مخدوش می کند که در اینجا هم دیوان چندین سال است که شروع به تبیین این مسئله کرده است که منعی

برای ورود همزمان مجمع عمومی سازمان عمومی ملل متحد و شورای امنیت در موضوعات مربوط به صلح و امنیت بین المللی وجود ندارد چون شورا نهاد انحصاری متولی صلح و امنیت نیست و در اینجا دوباره توضیح می دهد و این نظریه مخالفان را رد می کند ۶. آخرین مسئله این است که گفتند سوال جانبدارانه است که دیوان در پاسخ گفت سوال جانبدارانه را خودش تبیین می کند.